

پایان يك كابوس

داستان سقوط نیکسون، یا بزرگترین تراژدی سیاسی قرن

بزرگترین واقعه سیاسی جهان در ماه گذشته، که از نظر اهمیت یکی از بزرگترین وقایع قرن بشمار می‌آید استعفاي نیکسون از مقام ریاست جمهوری آمریکا و تعیین جerald فورد جانشینی وی میباشد.

در بارهٔ ماجرای واگرایی و وقایعی که منجر به استعفاي نیکسون از مقام ریاست جمهوری آمریکا شد «مسائل جهان» از بدر انتشار طی مقالات متعددی خوانندگان خود را در جریان این واقعه سناشته و در سال جاری طی دو مقاله مفصل زیر عنوان «سال بحرانی آمریکا» (شماره ۱ سال دوم) و «طوفان سیاسی در آمریکا» (شماره ۲ سال دوم) ضمن تشریح کثریفات برکناری رئیس جمهوری آمریکا سقوط حتمی نیکسون را از مقام ریاست جمهوری آمریکا پیش بینی نمود.

اینک با گزارش تازه‌ای از منصور لطفی همکار خود در واشنگتن مسیر وقایعی را که به برکناری نیکسون از مقام ریاست جمهوری آمریکا منتهی شد دنبال میکنیم. بدنبال این گزارش مقاله‌ای نیز در بارهٔ آمریکا پس از برکناری نیکسون خواهد آمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فراهم شده بود و اگر نیکسون کمترین امیدی به امکان موفقیت در سنای آمریکا و باقیماندن در مقام ریاست جمهوری ولو با يك رأی اضافی داشت هرگز به استعفا از مقام ریاست جمهوری و مخاطرات احتمالی آن تن در نمیداد. نیکسون که در اواخر دورهٔ اول ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۷۲ بمنوان یکی از قوی‌ترین و موفق‌ترین رؤسای جمهوری تاریخ آمریکا شناخته میشد، در انتخابات ماه نوامبر همان سال بعلت موفقیت‌هایی که بویژه در زمینه سیاست خارجی و پایان بخشیدن بجنگ ویتنام

ریچارد نیکسون، سی و هفتمین رئیس جمهوری آمریکا با اعلام استعفاي خود از مقام ریاست جمهوری در پنجشنبه شب هشتم اوت (۱۷ مرداد) نام خود را بمنوان اولین رئیس جمهوری در تاریخ آمریکا که از مقام خود استعفا کرده است ثبت نمود و اگر چنین نمی‌کرد، حداکثر تا پایان سال ۱۹۷۴ نام او بمنوان نخستین رئیس جمهوری آمریکا که از کار برکنار شده است در تاریخ آمریکا ثبت میشد، زیرا مقدمات محاکمه و برکناری وی از مقام ریاست جمهوری بشرحی که خواهد آمد از هر جهت

واترگیت و اقدامات خلاف قانون دیگر بدست نمی آمد و استیضاح و برکناری وی از طرف کنگره آمریکا با فقدان دلایل کافی امکان پذیر نبود.

پس از کشف ماجرای نوارهای کاخ سفید آرچیبالد کاکس دادستان ویژه ماجرای واترگیت که از طرف الیوت ریچاردسون وزیر دادگستری پیشین آمریکا به این سمت منصوب شده بود از نیکسون درخواست تحویل این نوارها را به دادگاه فدرال نمود ولی نیکسون بنوان این که نوارها از اموال شخصی او بوده و محتوی مطالب و اسرار شخصی وی می باشد از تحویل نوارها خودداری کرد، کشمکش نیکسون و کاکس بر سر تحویل نوارها سرانجام به عکس العمل خشونت آمیز نیکسون در برابر مقامات قضائی آمریکا انجامید که نقطه عطفی در ماجرای واترگیت و آغاز سقوط او تا مرحله استعفا از مقام ریاست جمهوری بشمار می آید:

وقتی عصر روز شنبه ششم اکتبر ماه سال پیش نیکسون پس از خودداری الیوت ریچاردسون و معاونش از صدور حکم برکناری آرچیبالد کاکس، سرانجام بقروسط بورك کفیل موقت وزارت دادگستری آمریکا آرچیبالد کاکس را از سمت دادستانی ویژه ماجرای واترگیت برکنار نمود و در نتیجه خود این امر منجر به استعفای ریچاردسون و معاون وی گردید، احساسات مردم آمریکا عموماً و اعضای کنگره آمریکا خصوصاً بر علیه ریچارد نیکسون برانگیخته شد. بدانسان که مطبوعات روزنامه های آمریکا هنوز هم از این ماجرا بنام و قتل عام شنبه شب یاد میکنند. این امر رئیس جمهور را وادار نمود که شخص دیگری را بجای کاکس منصوب نماید و این بار نیکسون بتصور اینکه شاید انتخاب فردی محافظه کار از جنوب کمکی به کاخ سفید و مقامات آن کرده باشد

بدست آورده بود با اکثریتی که هرگز در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا سابقه نداشته برای بار دوم بمقام ریاست جمهوری برگزیده شد. اما پس از انجام انتخابات در جریان تحقیقاتی که درباره موضوع توطئه برای استراق سمع در محل کنوانسیون حزب دمکرات در واترگیت و فعالیت های غیرقانونی کمیته تجدید انتخاب نیکسون بمسل آمد معلوم شد که پیروزی درخشان و شکستنده نیکسون در انتخابات سال ۱۹۷۲ خیلی هم ساده بدست نیامده و قسمتی از آراء ماخوذه نتیجه همین فعالیت ها و گشاده دستی در مخارج تبلیغاتی برای تجدید انتخاب نیکسون بوده است.

تحقیقاتی که درباره ماجرای واترگیت بمسل آمد نشان داد که کمیته تجدید انتخاب نیکسون بریاست جان میچل وزیر دادگستری پیشین آمریکا و همکاران نزدیک رئیس جمهوری در کاخ سفید مستقیماً در جریان توطئه برای استراق سمع و خرابکاری در کنوانسیون حزب دمکرات بوده - اند و پس از کشف این توطئه با تایید و اطلاع شخص نیکسون از طریق تهدید و تطمیع در پرده پوشی این ماجرا کوشیده اند... پیگیری این ماجرا از طرف کمیته تحقیق سنای آمریکا از حقایق دیگری پرده برداشت و در جریان همین تحقیقات بود که معلوم شد نیکسون کلیه مذاکرات حضوری و مکالمات تلفنی خود را با شخصیت های داخلی و خارجی با دستگاه دقیقی که در دفتر مخصوص رئیس جمهوری و قسمت پذیرائی کاخ سفید نصب شده ضبط می کرده و نوارهای همه این مذاکرات و مکالمات را در اختیار دارد.

بدبختی و گرفتاری نیکسون از تاریخ کشف ماجرای نوارهای کاخ سفید آغاز شد زیرا اگر این مطلب افشا نمیشد هیچ دلیل و مدرک قانع کننده ای بر مداخله نیکسون در ماجرای

به سفر اعلام نمود که رئیس جمهور باید تمام نوارهای درخواست شده از طرف دادستان ویژه را به دادگاه سیریکا تحویل دهد تا اینکه وی نیز بنوبه و با نظر و تصمیم خودش آنچه را که بستگی به پرونده‌های واترگیت دارد در اختیار دادستان ویژه بگذارد. همان روز ساعت هفت عصر یعنی در حدود هفت ساعت پس از اعلام تصمیم فوناز طرف دیوان عالی، رئیس جمهور بوسیله جیمز سن کلا وکیل مدافع خود اعلام داشت که بر طبق رای و دستور دیوان عالی آمریکا عمل خواهد نمود و این درست نُه ساعت پیش از شروع بخش آخرین جلسات کمیته قضائی مجلس نمایندگان از طریق رادیو و تلویزیون بود.

بدین معنی که اعضای کمیته مزبور بعد از هفته‌ها مطالعه و جرح و بحث و استدلال در جلسات خود بالاخره موافقت نمودند که جهت استفاده عموم، جلسات رای گیری خود را از طریق تلویزیون و رادیو پخش نمایند.

جلسات مزبور که بمقتور دادن رای نهائی در مورد پیشنهاد صدور اعلام جرم و اتهام نامه بر علیه ریچارد نیکسون از عصر روز ۲۲ ژوئیه شروع گردید و بطور زننده پخش میشد پس از انعقاد جلسات روزانه و شبانه بالاخره نزدیک نیمه شب سه شنبه ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) به پایان رسید.

اعلام جرم علیه نیکسون

در این جلسات سه ماده از پنج ماده پیشنهادی بارای اکثریت تصویب و جهت مطالعه در کمیته قوانین و مقررات مجلس و اخذ تصمیم بوسیله جلسه عمومی مجلس نمایندگان فرستاده شده که چکیده آن از این قرار است:

ماده اول - ماده اول که با توافق آراء ۲۱ نماینده همو کرات و با اضافه شدن از ۶۲ نماینده جمهوریتخواه یعنی با اکثریت ۲۷ رای در مقابل ۱۱ رای مخالف تصویب گردید شامل ۹ قسمت

دلون جوارسکی، از حقوقدانان تکزاس را بدین سمت برگزید. ولی حساب نیکسون با اشتباه بزرگی دوبرو گردید بدین معنی که جوارسکی نیز مانند کاکس هرگز مایل نبود و حاضر نشد که بخاطر نیکسون و دستیاران وی پا بر روی مقررات و قوانین این کشور بگذارد و بخاطر حفظ مقام ریچارد نیکسون و اولیای برکنار شده کاخ سفید مفاد قانون اساسی آمریکا را نادیده بگیرد. و موضوع دیگر آنکه این بار رئیس جمهوری قول داده بود که بدون موافقت کنگره آمریکا دادستان ویژه واترگیت را حتی بتوسط وزیر دادگستری خود از این مقام برکنار ننماید. اما وقتی جوارسکی از طریق دادگاه فدرال واشنگتن و بوسیله قاضی سیریکا دریافت تعداد ۶۴ نوار را از کاخ سفید خواستار شد رئیس جمهور حاضر نشد باین تقاضای دادستان کردن دهد و در نتیجه موضوع پرونده بدیوان عالی این کشور محول و هر دو طرف منتظر رای و تصمیم لازم از دادگاه مزبور که بالاترین مرجع قانونی قضائی شمرده میشود گردیدند.

رای دیوان عالی

مقارن ظهر روز بیست و چهارم ژوئیه (۲ مرداد) دیوان عالی کشور آمریکا بریاست «وارن برگر» و با شرکت هشت تن از نه قاضی دیوان عالی بمنظور اعلام تصمیم در موضوع فوق تشکیل جلسه داد. علت عدم حضور «ویلیام رنکوئیست» قاضی نهم این بود که گویا وی پیش از آن تصاحب به این سمت مدتی در وزارت دادگستری آمریکا در زمان وزارت جان میچل کار کرده بود و روی همین اصل حاضر نشد که در اعلام تصمیم مزبور سهمی داشته باشد.

توضیح آنکه علاوه بر رنکوئیست خود و وارن برگر و دو تن دیگر از قضات این دادگاه بوسیله خود نیکسون باین سمت انتصاب شده‌اند. با وجود این دادگاه عالی مزبور با توافق آراء یعنی هشت

اختیارات قانونی خود پانزده و با سوءاستفاده از وجود سازمانهای دولتی از قبیل اداره مالیات بردآمد و از طریق کسب اطلاعات درباره افراد و شخصیتهای مختلف کشور سعی میکردند از اطلاعات مزبور بر علیه مخالفان سیاسی خود و منظور پیش بردن مقاصد خویش استفاده نمایند و نیز اینکه با سوء استفاده از وجود ادارات و سازمانهایی از قبیل اف. بی. آی و پلیس مخفی و مبادرت بمراتبهای الکترونیکی از قبیل کنترل تلفن افراد مختلف حتی تلفن برادر خودش به حقوق و آزادی این اشخاص تجاوز میکرده است ..

ماده سوم - ماده سوم اعلام جرم که روز سی ام ژوئیه یعنی در آخرین روز جلسات کمیته با اکثریت ۲۱ رای موافق در مقابل ۱۷ رای مخالف بتصویب رسید حاکی از اینست که نیکسون با وجود آنکه بارها و رسماً اعلام داشته بود که همکاری کامل خود را از کمیته دریغ نخواهد داشت معیناً در عمل و تا آنجائیکه برایش مقدور بود در کار کمیته کار شکنی نموده است و با اینکه کمیته قضائی در چهار نوبت مختلف تحویل ۱۴۷ رقم نوار را رسماً از کاخ سفید درخواست نموده بود با وجود این رئیس جمهور بتمام این درخواستها بی اعتنا مانده و تقاضای کمیته را نادیده گرفت .

آخرین تلاش نیکسون و پایان تراژدی

پس از رای دیوانعالی کشور آمریکا علیه نیکسون و تصویب طرح اعلام جرم از طرف کمیته قضائی مجلس نمایندگان و قایع با سرعت بیشتری جریان یافت : بارای قاطع کمیته قضائی مجلس نمایندگان علیه نیکسون و شکافی که در میان جمهورخواهان بوجود آمده بود تردیدی باقی نماند که طرح اعلام جرم با اکثریت قاطعی بتصویب مجلس نمایندگان خواهد رسید و کار

است و بطور خلاصه نیکسون دامتهم میکند بر اینکه .. پس از دستگیری کسانیکه بقصد سرقت و ارتکات بد اعمال غیر قانونی به مرکز کمیته حزب دموکرات داخل شده بودند بمنظور سرپوشی اقدامات و عملیات کمیته تجدید انتخاب نیکسون ، مشارالیه بوسایل مختلف سعی کرده است که از تعقیب قانونی افراد و دستیاران خویش جلوگیری نماید و نیز اینکه عمداً و عامداً موانعی در راه اجرای قوانین آمریکا بوجود میآوردده است . بعلاوه اینکه نیکسون میخواست که همکاری و همراهی سازمان سیارا در اجرای منظورها و نقشهای غیر قانونی مقامات کاخ سفید جلب نماید . و نیز اینکه با وجود این اعمال ریچارد نیکسون یا اظهارات و سخنرانیهای خود در مواقع مختلف سعی کرده است که مردم آمریکارا قانع ساخته و بد آنان بقبولاند که پرونده مربوط از مسیر قانونی تحت تعقیب میباشد و مجرمین و مقصرین مجازات خواهند شد . و هم اینکه جریان و اترگیت بهیچوجه بستگی به اعضای کمیته تجدید انتخاب نیکسون و اولیای کاخ سفید نداشته است در صورتیکه مشارالیه در عین حال کوشش مینمود که متهمین مربوط را بپراختن حق السکوتهای گزاف و با وعده و وعید به آزادی و بخشودگی شان از طرف رئیس جمهور بسکوت و یا شهادتهای دروغین وادار وقانع نماید ..

ماده دوم . ماده دوم اعلام جرم علیه نیکسون با اکثریت ۲۸ رای در مقابل ده رای در کمیته قضائی مجلس نمایندگان تصویب شد و باین ترتیب یکی دیگر از نمایندگان جمهورخواه خود را از صف پشتیبانان نیکسون کنار کشید . این ماده که در وهمرفته شامل پنج قسمت است نیکسون را متهم میکند بر اینکه .. مشارالیه با استفاده نامشروع از مقام و قدرت ریاست جمهوری و بر خلاف سوگندی که جهت پشتیبانی از اجرای مفاد قانون اساسی آمریکا یاد کرده است از

نیکسون به محاکمه در سنای آمریکا خواهد کشید، از طرف دیگر بارای دیوانعالی کشور و تسلیم اصل نوارهای کاخ سفید بمقامات قضائی آمریکا آخرین امید نیکسون به امکان جلوگیری از تصویب طرح اعلام جرم در سنای آمریکا هم از میان رفت، زیرا افشای متن این نوارها جای تردیدی در دخالت مستقیم نیکسون در ماجرای واترگیت و محکومیت وی باقی نمیگذاشت.

آخرین تلاش نیکسون برای رهایی از محصصه ایکه در آن گرفتار شده بود اعتراف به گناه قبل از افشای متن نوارها و استغفار از مردم و کنگره آمریکا بود. روز دوشنبه پنجم اوت (۱۴ مرداد) اعترافنامه نیکسون انتشار یافت و رئیس جمهوری ضمن قبول مسئولیت اشتباهاتی که در ماجرای واترگیت مرتکب شده و اعتراف به این مطلب که شخصا دستور سرپوش گذاشتن بر این ماجرا را اینطور صادر کرده، خطاهای گذشته خود را اینطور توجیه کرد که بنظر او افشای این ماجرا و جادو جنجال بر سر آن بمصلحت آمریکا نبوده و دروغ‌های او بر مردم آمریکا بنا به ضرب المثل معروف خودمان «دروغ مصلحت آمیز» بوده است.

اما انتشار این اعترافنامه نه فقط کمکی به وضع نیکسون نکرد بلکه گروهی از طرفداران او راه که در مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای نجات او میکوشیدند خلع سلاح نمود و عده‌ای از سرسخت‌ترین طرفداران او در کنگره رسماً اعلام کردند که در حمایت از او دچار اشتباه شده و از این پس علیه وی رای خواهند داد. رهبران حزب جمهوریخواه در کنگره که ادامه زمامداری نیکسون را برای موقعیت این حزب بد اقتضایات ماه نوامبر آینده بسیار خطرناک میدانستند تصمیم گرفتند هیتی برای مذاکره با نیکسون به کاخ سفید بفرستند؛ سناتور گلدواتر، سناتور اسکات رهبر جمهوریخواهان در سنای «رودس» رهبر

جمهوریخواهان در مجلس نمایندگان برای انجام این مذاکرات تعیین شدند و عصر روز چهارشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) در کاخ سفید با نیکسون ملاقات کردند. در این ملاقات که فقط نیم ساعت بطول انجامید، گلدواتر و رهبران جمهوریخواه کنگره به نیکسون اخطار کردند که دیگر قادر به جلوگیری از محاکمه و محکومیت او در سنای نیستند. رودس گفت که طرح اعلام جرم با اکثریت قریب با اتفاق بتصویب مجلس نمایندگان خواهد رسید و گلدواتر و اسکات هم تاکید کردند که در سنای امریکا فقط ده تا پانزده سناتور در جناح طرفدار رئیس جمهور باقی مانده اند و باین ترتیب محکومیت و برکناری او از ریاست جمهوری اجتناب ناپذیر است.

نیکسون نتیجه لازم را از این ملاقات گرفت و همانشب پس از مشورت با اعضای خانواده و چند تن از دوستان نزدیک خود منجمه کی سینجر تصمیم به استعفا گرفت. صبح روز پنجشنبه ۸ اوت (۱۷ مرداد) نیکسون پس از درود به نتر کارش دستور داد متن نطق استعفای او را از انقام ریاست جمهوری تهیه کنند. تا ظهر همانروز نیکسون معاون خود جردالد فورد را به کاخ سفید احضار کرد و ضمن اعلام تصمیم نهایی خود از وی خواست که خود را برای انجام وظایف ریاست جمهوری آماده کند. ظهر پنجشنبه نیکسون پیش نویس نطق استعفای خود را اصلاح کرد و از شبکه‌های رادیو تلویزیون آمریکا خواست که ساعت ۹ بعد از ظهر را برای آخرین سخنرانی دوران ریاست جمهوری او در رو کنند.

عصر آنروز نیکسون بیشر وقت خود را صرف جمع آوری اوراق و یادداشت‌های خصوصی و تهیه مقدمات تخلیه کاخ سفید نمود و آخرین نامه ایکه بدستور او در دبیرخانه کاخ سفید مابین شد خطاب به هنری کی سینجر وزیر امور خارجه آمریکا و باین شرح بود:

نیکسون از ریاست جمهوری آمریکا منجر شد بعنوان يك كابوس طولانی یاد کرد . . . بلی ماجرای واترگیت و بحران عدم اعتمادی که آمریکا رافرا گرفته بود چون کابوسی برجامه آمریکا سنگینی میکرد . . . اینک کابوس سپری شده و دمکراسی آمریکا از این آزمایش سخت، پیروز و سر بلند پدید آمده است .

نیکسون در آخرین نطق خود بعنوان رئیس جمهوری آمریکا گفت که نخستین وظیفهٔ جانشین او مرهم نهادن بر زخم‌هایی است که بر اثر کشمکش‌های اخیر بر پیکر جامعه آمریکا وارد آمده است، و فوورد با صداقت و صمیمیتی که در آغاز زمامداری از خود نشان داده، به درمان سریع این زخمها پرداخته و روح تازه‌ای در کالبد جامعه آمریکائی هدیده است . از نخستین سخنان فورد در مقام ریاست جمهوری بیان این واقعبیت بود که وی اولین رئیس جمهوری آمریکا است که بارای مردم به این سمت انتخاب نشده، ولی مراجعه به آراء عمومی در نخستین روزهای زمامداری فوورد نشان میدهد که کمتر رئیس - جمهوری منتخب آمریکا در مدت نزدیک به دو قرن که از استقلال این کشور میگذرد، اینهمه امید و خوش بینی برای جامعه آمریکا به ارمغان آورده است .

آمریکا پس از نیکسون

همراه است .

بررسی آثار و نتایج تغییر رهبری در آمریکا نخست مستلزم نگاهی سریع به ویژگی‌های دوران ریاست جمهوری نیکسون میباشد ریچارد نیکسون در زمینه سیاست خارجی بی تردید یکی از نیرومندترین و موفق‌ترین روسای جمهوری تاریخ آمریکا بوده و هر چند بسیاری از این موفقیت‌ها را به کاردانی و مهارت وزیر خارجه او کیسینجر نسبت می‌دهند، تردیدی

کاخ سفید واشنگتن

۹ اوت ۱۹۷۴

جناب هنری کیسینجر وزیر امور خارجه
بدینوسیله از مقام ریاست جمهوری ایالات متحده
آمریکا استعفا میدهم .

با اراادت . ریچارد نیکسون

بموجب قانون اساسی آمریکا ، رئیس جمهوری باید استعفای خود را به شخص اول کابینه یعنی وزیر امور خارجه تسلیم نماید و نیکسون نیز چنین کرد . در متن استعفانامه هیچ دلیلی برای این اقدام وی ذکر نشده بود، ولی نیکسون در نطق تلویزیونی خود با اشاره‌ای مختصر به اشتباهاتی که در ماجرای واترگیت مرتکب شده علت استعفای خود را از دست دادن حمایت کنگره قلمداد کرد . نیکسون که قسمتی از نطق استعفای خود را به شرح موفقیت‌هایش در سیاست خارجی آمریکا اختصاص داده بود سعی می‌کرد خون سردی خود را هنگام ایراد این نطق حفظ کند، اما کلمات فصیح و شمرده‌اش برای پوشاندن ناراحتی و اضطرابی که بر چهره او نقش بسته بود کفایت نمی‌کرد .

صبح روز جمعه ۱۸ مرداد جرالند فورد بعنوان سی و هشتمین رئیس جمهوری آمریکا سوگند یاد نمود و از ماجراجویی که به برکناری

اکنون که نیکسون بدنبال يك کشمکش طولانی با کنگره و قوه قضائیه آمریکا از کار برکنار شده است ، آثار و نتایج استعفای او و استقرار شخصیتی تازه در کاخ سفید واشنگتن مورد توجه و بحث مطبوعات و محافل بین‌المللی است ، زیرا با اختیاراتی که قانون اساسی آمریکا به رئیس جمهوری این کشور تفویض کرده ، هر تغییری در رهبری آمریکا با تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی این کشور

انظر يك ناظر بيگانه، اشتباهات و خطاهای نیکسون در برابر موقیتهای عظیم او در سیاست داخلی و خارجی آنقدر خرد و حقیر است که بر کناری او را از مقام ریاست جمهوری با چنان جنجال و فضیحتی بهیچوجه توجیه نمی نماید. اما از نظر يك فرد آمریکائی که قانون اساسی خود را در ردیف قوانین الهی مقدس می شمارد و آنرا پایه و اساس وحدت و قومیت و ملیت خود میداند هر گونه تجاوزی به این قانون و تخلف از اصول آن، آنهم از طرف کسی که برای صیانت و پاسداری آن بر گزیده شده گناهی نابخشودنی است و با اسناد و مدارکی که طی یکسال گذشته از خالت نیکسون در ماجرای واتر گیت منتشر شد تخلف شخص رئیس جمهوری از اصول قانون اساسی آمریکا امری بدیهی و انکار ناپذیر بشمار می آمد.

البته نیکسون در کنار سایر اشتباهان خود در ماجرای واتر گیت و عدم پرداخت مالیات واقعی، خطای بزرگ دیگری هم مرتکب شد و آن بی اعتنائی به قوای مقننه و قضائیه و مطبوعات آمریکا بود... با این بی اعتنائی ها نیکسون ابتدا مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی آمریکا را علیه خود شوراند و ماجرای واتر گیت که ابتدایک واقعه ساده و بی اهمیت بنظر میرسید، بوسیله مطبوعات آمریکا و در راس آنها روزنامه واشنگتن پست به يك مسئله ملی تبدیل شد. این مسئله از طرف کنگره آمریکا که از بی اعتنائی نیکسون به قوه مقننه آزاده شده بود با خشونت وجدیدیتی بیش از حد متعارف و معمول دنبال شد و مقاومت نیکسون در برابر کپیتهای مأمور تحقیق و تعقیب این مسئله در سنا و مجلس نمایندگان آمریکا به سرسختی بیشتر این کمیته ها و سرانجام تصویب طرح اعلام جرم علیه او از طرف کمیته قضائی مجلس نمایندگان آمریکا انجامید. با محیط عصبانی که در کنگره آمریکا

نیست که کشف خود کیسینجر و اعطای نقش درجه اول بوی در اداره سیاست خارجی آمریکا از ابتکارات شخص نیکسون بوده و بدون حمایت و پشتیبانی می دیدن نیکسون کیسینجر هرگز در کار خروج آمریکا از مرمکه ویتنام و بهبود روابط آمریکا با شوروی و چین و تخفیف تشنج در خاور میانه توفیق نمی یافت.

کارنامه نیکسون در سیاست داخلی آمریکا بر خلاف سیاست خارجی او چندان درخشان نیست، با وجود این اگر ماجرای واتر گیت و مسائل شخصی نیکسون را از بیلان شکست ها و موقیتهای او در سیاست داخلی آمریکا جدا کنیم پیروزیهای نیکسون در سیاست داخلی آمریکا هم بر شکست های او می چربد و بطور مثال در زمینه مسائل اقتصادی که یکی از نقاط ضعف عمده نیکسون در سیاست داخلی آمریکا بشمار می آید حکومت نیکسون موقیتهای بسیاری داشته است که برجسته ترین آن تحکیم وضع دلار آمریکا پس از دو بار تنزل در بازارهای پولی جهان و افزایش حجم صادرات آمریکا بر واردات آن کشور پس از چند سال کسر موازنه هب باشد.

با توجه به این واقعیت ها آنچه نیکسون را با وجود آنهم موقیتهای داخلی و خارجی آمریکا از پای در آوردتتهایک اشتباه او در پرده پوشی اقدامات خلاف قانون همکاری در ماجرای واتر گیت و توسل به اقدامات خلاف قانون دیگر مانند پرداخت حق السکوت به عاملین این ماجرا و جلوگیری از اجرای عدالت در مورد آنان بود. این اشتباه، همراه با اشتباهات دیگری مانند عدم پرداخت مالیات واقعی به خزانه کشور - که از نظر آمریکائیان گناهی نابخشودنی است دست بدست هم دادند و نیکسون را چنان در افکار عمومی مردم آمریکا بی اعتبار ساختند که دیگر راهی جز بر کناری او از مسند والای ریاست جمهوری آمریکا باقی نماند.

رئیس جمهوری تاریخ آمریکا است که بارای کنگره و نه رای مستقیم مردم بمقام ریاست جمهوری آمریکا رسیده و از اینجهت نیز بیش از روسای جمهوری دیگر آمریکا تابع نظرات و تصمیمات کنگره آمریکا خواهد بود .

سیاست خارجی آینده آمریکا

جرالد فورد در نخستین پیامی که در مقام ریاست جمهوری خطاب به کنگره و ملت آمریکا ایراد نمود ضمن ستایش از سیاست خارجی سلف خود ریچارد نیکسون با صراحت و قاطعیت از تصمیم خود درباره ادامه این سیاست سخن گفت و ابقاء هنری کی سینجر وزیر امور خارجه نیکسون در مقام خود نشانه‌ای بر استواری این تصمیم بود. ابقاء مقامات برجسته وزارت امور خارجه و سفیران آمریکا در مقامات خود و پیامهایی که در اولین هفته زمامداری فورد به سران کشورهای جهان فرستاده شد تضمین دیگری بر ادامه سیاست خارجی نیکسون بشمار میرفت.

در زمینه سیاست خارجی آمریکا آنچه بیش از همه حائز اهمیت است روابط آمریکا و شوروی است که نیکسون با برقراری تماس‌های مستمر و مستقیم با رهبران شوروی آنرا وارد مرحله نویتی ساخت. تلاشی که نیکسون در جهت برقراری روابط نزدیک و دوستانه با رهبران شوروی بعمل آورد و سفر وی به مسکو در اوج بحران و اترگیت بیش از پیش آنرا تاکید نمود. رهبران شوروی را از تصمیم موقعیت اونگران ساخته و این توهم را در مسکو بوجود آورده بود که تلاش برای برکناری نیکسون از طرف مخالفان نزدیکی آمریکا و شوروی تقویت میشود. این سو عطن و نگرانی پس از استعفای نیکسون از مقام ریاست جمهوری بطور آشکار از طرف مطبوعات و خبرگزاری رسمی شوروی عنوان شد و برژنف رهبر حزب کمونیست شوروی بلافاصله پس از کناره گیری نیکسون و تعیین

علیه نیکسون بوجود آمده بود، تصویب طرح اعلام جرم علیه نیکسون در مجلس نمایندگان و محکومیت وی در سنای فدرال بنظر میرسد و نیکسون که تا آخرین لحظه در برابر فکر استعفا از مقام ریاست جمهوری مقاومت میکرد سرانجام هنگامی حاضر به کناره گیری از این مقام شد که رهبران حزب جمهوریخواه رسماً بوی اطلاع دادند که دیگر قادر به حفظ او در کنگره آمریکا نیستند .

بازگشت قدرت کنگره

باین مقدمه نخستین و مهمترین نتیجه بر کناری نیکسون از مقام ریاست جمهوری آمریکا بازگشت قدرت و اعتبار کنگره یا قوه مقننه آمریکا در برابر قوه مجریه و شخص رئیس جمهوری است. قانون اساسی آمریکا به رئیس جمهوری این کشور اختیارات زیادی تفویض کرده و قدرت و اختیارات رئیس جمهوری آمریکا با اختیارات هیچیک از روسای جمهوری کشورهای دموکراسی غربی قابل قیاس نیست ، با وجود این روسای جمهوری آمریکا از زمان زمامداری روزولت با اینطرف بتدریج بر میزان قدرت و اختیارات خود در برابر کنگره آمریکا افزوده و در موارد متعدد برخلاف رای و نظر اکثریت اعضای کنگره دست به اقداماتی زده و قوه مقننه را در برابر عمل انجام شده قرار داده اند که نیکسون و سلف او جانسون از آنجمله بوده اند. اما پادئندان تیزی که کنگره آمریکا در برابر نیکسون نشان داد و او را در اوج قدرت از مسند ریاست جمهوری پائین کشید ، جانشین نیکسون و جانشینان او هرگز نمیتوانند در برابر کنگره آمریکا رفتاری چون پیشینیان خود داشته باشند و با از گلیم خود فراتر بگذارند .

جرالد فورد علاوه بر پهنندی که از سر نوشت نیکسون گرفته مقام و موقعیت کنونی خود را مدیون یک ربع قرن عضویت و خدمت صادقانه در کنگره آمریکا است . از سوی دیگر وی نخستین

جمهوری جدید آمریکا دارند با این اطمینان که وی حداقل تا ژانویه سال ۱۹۷۷ در مقام ریاست جمهوری آمریکا باقی خواهد ماند با او به گفتگو خواهند نشست .

تنها مشکلی که در سیاست اروپائی آمریکا پیش آمده، و مشکل کوچکی هم نیست بحران قبرس و اختلاف شدیدی است که بین دو متحد آمریکا در پیمان آتلانتیک یعنی ترکیه و یونان بروز کرده و در جناح شرقی سازمان پیمان آتلانتیک شکاف خطرناکی بوجود آورده است. مشکلی که رئیس جمهوری جدید آمریکا در قبرس با آن مواجه شده، میراثی است که از آخرین روزهای حکومت مقلزل نیکسون برای او بر جای مانده و هنری کیسنجر وزیر خارجه آمریکا هم که برای میانجیگری در این مسئله اعلام آمادگی کرده است در روزهایی که یکسکون جز مسئله واتر گیت و استیضاح خود اذطرز کنگره به چیز دیگری نمی اندیشید در ایاجاد این بحران نقش اسرار آمیزی ایفا نموده است .

فراگین موجود نشان میدهد که آمریکا تنها برکناری ما کارپوس را از ریاست جمهوری قبرس بخاطر تمایلات او به سیاست بیطرفی و عدم تعهد تایید نمی کرده اند و پیوستگی بیشتر قبرس را به یونان با منافع خود سازگار می بینند .

اما عکس العمل سریع و تند ترکیه در برابر کودتای نظامیان یونانی در قبرس که به ستور رژیم نظامی یونان و روی کار آمدن کارامانلیس سیاستمدار کهنه کار یونانی در آن کشور انجامید آمریکا را در ادامه حمایت از یونان دچار تردید ساخت و این بار ترکیه بدون نگرانی از عکس - العمل نامساعد آمریکا عملیات نظامی خود را در قبرس گسترش داده و بیش از یک سوم خاک این جزیره را تحت اشغال خود در آوردند .

دولت یونان که از سکوت و بی اعتنائی آمریکا و سازمان پیمان آتلانتیک در برابر این

جرالد فورد بمقام ریاست جمهوری آمریکا پیام محرمانه ای به رئیس جمهوری جدید فرستاد تا از نظرات و مقاصد او درباره روابط آمریکا و شوروی آگاه شود. این پیام در ملاقاتی که بین جerald فورد و آناتولی دو برینین سفیر کبیر شوروی در آمریکا صورت گرفت تسلیم رئیس جمهوری جدید آمریکا شد و پاسخ آن برای رهبران شوروی بیش از حد تصور پیش بینی آنها امیدوارکننده بود، زیرا فورد نه فقط به ادامه سیاست نیکسون در جهت حفظ روابط دوستانه بین آمریکا و شوروی اظهار تمایل کرده بلکه با پیشنهاد جلوانداختن تاریخ مسافرت برژنف به آمریکا حسن نیت خود را در این مورد به ثبوت رسانید : تاریخی که قبلا برای مسافرت برژنف به آمریکا پیش بینی شده بود اواسط سال ۱۹۷۵ بود، ولی فورد اظهار علاقه کرده است که رهبر شوروی را در اواخر سال جاری مسیحی، یعنی در پانز آینده ملاقات کند .

آمریکا و مسائل اروپا

تغییر رهبری در آمریکا تحولی در جهت مثبت در روابط آمریکا با متحدین اروپائی آن کشور بوجود آورده است، زیرا رهبران کشور های اروپای غربی علاوه بر اینکه نسبت به سیاست اروپائی نیکسون بیش و کم بدگمان بودند، با توجه به تضمین موقعیت وی در آمریکا حل مسائل خود را با آمریکا بعهد تعویق می انداختند . بهمین جهت برکناری نیکسون که به تکروری در سیاست خارجی شهره شده بود در روی کار آمدن شخصیتی که در مدت نزدیک به یک ربع قرن خدمت در کنگره آمریکا همواره مدافع سازمان پیمان آتلانتیک و تحکیم روابط دوستانه آمریکا با متحدین اروپائی آن کشور بوده است در کشورهای اروپای غربی باخوش بینی و امیدواری فراوان استقبال شده و رهبران کشورهای اروپای غربی علاوه بر پیش داوری مثبتی که نسبت به رئیس -

و در مسئله خاور میانه هم بدون توجه به عدم رضایت یهودیان آمریکا و عکس العمل احتمالی آنها عمل می نمود، در صورتیکه جerald فورد سیاستمدار محافظه کاری است و روی نفوذ و موقبت یهودیان در آمریکا خیلی بیشتر از نیکسون حساب می کند.

۲- در ماجرای واترگیت یهودیان آمریکا که مطبوعات و تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی آمریکا را در اختیار دارند ضربه شدیدی بر نیکسون وارد آوردند و نیکسون که یهودیان آمریکا را در پشت سر تحریکات علیه خود می دید در این اواخر روش انتقامجویانه ای در برابر آنها در پیش گرفته بود، در حالیکه جerald فورد برای تحکیم موقبت خود به حمایت کنگره و وسایل ارتباط جمعی آمریکا نیاز شدیدی دارد و برای جلب حمایت آنها نمی تواند از نفوذ و موقبت یهودیان آمریکا صرف نظر نماید.

۳- نیکسون که دو مین دوره ریاست جمهوری خود را می گذرانید و بموجب قانون اساسی آمریکا دیگر نمی توانست برای بار سوم به مقام ریاست جمهوری برسد دیگر به پشتیبانی یهودیان برای موقبت در انتخابات آینده آمریکا نیازی نداشت، در حالیکه جerald فورد با احتمال قوی کاندیدای جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا خواهد بود و به همین جهت از هم اکنون باید به آراء یهودیان آمریکا و عوامل تحت نفوذ آنها توجه نماید.

البته جerald فورد در شرایط فعلی، و تا حدودیکه وضع موجود خاور میانه بر هم نخورد سیاست نیکسون را در این منطقه دنبال خواهد کرد، ولی در صورتیکه بر اثر مقاومت اسرائیل در برابر درخواست امتیازات تازه ای از طرف اعراب در گیربهای تازه ای بین اعراب و اسرائیل روی دهد، عکس العمل رئیس جمهوری آمریکا با توجه به عوامل پیش گفته، با واکنشی که از نیکسون انتظار میرفت متفاوت خواهد بود.

وضع آزوده شده بود نیروهای نظامی خود را از اتحادیه آتلانتیک فراخواند و بدنبال آن موجی از تظاهرات ضد آمریکایی سراسر خاک یونان را فراگرفت.

اکنون آمریکاییها برای جلب رضایت حکومت آتن و بازگرداندن یونان به سازمان پیمان آتلانتیک ترکیه را تحت فشار قرار داده و این کشور را به قطع کمک های نظامی خود تهدید میکنند، ولی ادامه این فشار ممکنست بی آنکه یونان را به اتحادیه آتلانتیک بازگرداند، روابط ترکیه را نیز با آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه آتلانتیک بخطر بیاندازد.

فورد و خاور میانه

جerald فورد رئیس جمهوری جدید آمریکا در نطقی که روز سه شنبه هفته گذشته در برابر کنگره آمریکا ایراد کرد سیاست آینده خود را در خاور میانه با این دو جمله خلاصه نمود:

«به ملل خاور میانه قول می دهم که کوششهای جدی ما، یعنی کوششهایی که بعد از ۲۵ سال خصومت و جنگ امید های تازه ای برای صلح و آرامش در این منطقه بوجود آورده همچنان ادامه خواهد داشت. ما بوعده خود دایر بر توسعه و پیشرفت مذاکرات مداوم بین طرفین بمنظور تأمین یک راه حل دائمی و عادلانه عمل خواهیم کرد.»

با وجود این مطبوعات و محافل کشور های عرب این نگرانی را پنهان نمی دانند که سیاست آمریکا در خاور میانه با وجود بقای کی سینجر در مقام وزارت امور خارجه آمریکا با تمبیراتی همراه باشد. دلائل عمده این نگرانی از اینقرار است:

۱- نیکسون سیاستمدار نیرومندی بود که در اتخاذ تصمیمات خود به عکس العمل عوامل قدرت در داخل آمریکا توجه زیادی نمی کرد